



دانشکده الهیات

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته الهیات - فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

مقایسه دیدگاه قاضی عبدالجبار معتزلی و ویلیام پی آلستون

در باب زبان دینی (معناشناسی اوصاف الهی)

استاد راهنما:

دکتر نرگس نظر نژاد

استاد مشاور:

دکتر ملیحه صابری

دانشجو:

قدسیه حبیبی

شهریور ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلیه دستاوردهای این تحقیق متعلق به دانشگاه الزهرا (س) است.

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم

تشکر:

خداوند متعال را سپاسگزارم که توفیق علم آموزی به من عطا فرموده است. از آن جا که تشکر از مخلوق در راستای شکرگزاری از خالق است، بر خود لازم می‌دانم که از همه اساتید ارجمندم، به خصوص سرکار خانم دکتر نرگس نظرنژاد، به خاطر زحمات بی دریغشان تشکر کنم. همچنین از پدر و مادر عزیزم که من را در تمام مراحل زندگی‌ام، یاری و مساعدت نموده‌اند، سپاسگزارم.

چکیده:

زبان دین یکی از موضوعات مهم در حوزه‌ی فلسفه دین است. از آن جا که این بحث به معنانشناسی صفات الهی مربوط می‌شود، برای مؤمنان از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا معقول بودن گزاره‌های ناظر به خداوند، در گرو معناداری آن‌ها است. ما در پایان نامه حاضر، به بررسی دیدگاه قاضی عبدالجبار معتزلی و ویلیام پی. آلستون می‌پردازیم. این دو متفکر با وجود این که به دو فضای فکری متفاوت تعلق دارند و به لحاظ زمانی قرن‌ها از یکدیگر دور اند، هر دو ضمن اعتقاد به معناداری گزاره‌های دینی، به رویکرد کارکردگروی ملتزم هستند، یعنی صفات کمالی از قبیل علم، قدرت و... و صفات فعلی نظیر درک کردن، ساختن و... را بر مبنای کارکرد و عملکردشان معنانشناسی می‌کنند.

واژگان کلیدی:

زبان دین، صفات الهی، کارکردگروی، قاضی عبدالجبار معتزلی و ویلیام پی. آلستون.

فهرست مطالب

مقدمه:	۱
پرسش پژوهش و تبیین آن:	۴
پرسش‌های پژوهش (پرسش‌های فرعی):	۵
فرضیات پژوهش:	۵
اهداف پژوهش و ضرورت آن:	۵
پیشینه پژوهش:	۶
فصل اول: رویکردهای مختلف در باب زبان دین	۷
۱-۱- اقسام صفات الهی:	۹
الف) صفات ثبوتی و سلبی:	۹
ب) صفات حقیقی و اضافی:	۹
ج) صفات ذاتی و فعلی:	۱۰
د) صفات ذاتی و خبری:	۱۰
ه) صفات انسانی و مابعدالطبیعی:	۱۰
۲-۱- دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان:	۱۱
۱-۲-۱- تشبیه:	۱۱
۱-۱-۲-۱- مشبیه یا مجسمه:	۱۱
۲-۲-۱- تأویل:	۱۲
۱-۲-۲-۱- معتزله:	۱۲
۳-۲-۱- تعطیل:	۱۵
۱-۳-۲-۱- اشاعره:	۱۶

- ۱۸ ۴-۲-۱- تشبیه در عین تنزیه:
- ۱۸ ۱-۴-۲-۱- ابن عربی:
- ۱۹ ۱-۱-۴-۲-۱- وحدت وجود:
- ۲۱ ۲-۱-۴-۲-۱- اسماء الهی:
- ۲۲ ۳-۱-۴-۲-۱- تشبیه و تنزیه:
- ۲۳ ۵-۲-۱- اشتراک معنوی و حمل تشکیکی:
- ۲۴ ۱-۵-۲-۱- ملاصدرا:
- ۲۴ ۱-۱-۵-۲-۱- اشتراک معنوی وجود:
- ۲۵ ۲-۱-۵-۲-۱- اصالت وجود:
- ۲۵ ۳-۱-۵-۲-۱- تشکیک در وجود:
- ۲۶ ۴-۱-۵-۲-۱- معناشناسی اوصاف الهی:
- ۲۸ ۶-۲-۱- الاهیات سلبی (تنزیهی):
- ۲۹ ۱-۶-۲-۱- قاضی سعید قمی:
- ۳۱ ۳-۱- دیدگاه‌های اندیشمندان غربی:
- ۳۱ ۱-۳-۱- سکوت (بیان ناپذیری):
- ۳۲ ۱-۱-۳-۱- فلوطین:
- ۳۳ ۲-۳-۱- الاهیات سلبی (تنزیهی):
- ۳۴ ۱-۲-۳-۱- موسی ابن میمون:
- ۳۷ ۳-۳-۱- تمثیل:
- ۳۷ ۱-۳-۳-۱- توماس آکویناس:
- ۳۹ ۴-۳-۱- زبان نمادین:
- ۴۰ ۱-۴-۳-۱- پل تیلیخ:
- ۴۱ ۵-۴-۱- نظریه تصویری معنا:
- ۴۲ ۱-۵-۳-۱- ویتگنشتاین متقدم:
- ۴۴ ۶-۳-۱- تحقیق پذیری:

- ۴۴ ۱-۶-۳-۱-پوزیتیویسم منطقی:
- ۴۷ ۱-۳-۷-نظریه کاربردی معنا:
- ۴۷ ۱-۷-۳-۱-ویتگنشتاین متأخر:
- ۴۹ ۱-۳-۸-کارکردگروی:
- ۴۹ ۱-۳-۸-۱-بریثویت:
- ۵۰ ۱-۳-۹-تحقیق پذیری اخروی:
- ۵۱ ۱-۳-۹-۱-جان هیک:
- ۵۴ ۱-۳-۱۰-ابطال پذیری:
- ۵۴ ۱-۳-۱۰-۱-آنتونی فلو:
- ۵۸ فصل دوم: رویکرد قاضی عبدالجبار در باب زبان دین
- ۵۹ ۱-۲-معناشناسی اوصاف الهی از نظر قاضی عبدالجبار معتزلی:
- ۶۰ ۲-۱-۱-۱-صفات ثبوتی:
- ۶۱ ۲-۱-۱-۱-۱-خداوند قادر است:
- ۶۳ ۲-۱-۱-۲-خداوند عالم است:
- ۶۵ ۲-۱-۱-۳-خداوند حی است:
- ۶۷ ۲-۱-۱-۴-خداوند سمیع، بصیر و مدرک است:
- ۷۰ ۲-۱-۱-۵-خداوند موجود است:
- ۷۲ ۲-۱-۱-۶-خداوند قدیم است:
- ۷۳ ۲-۱-۱-۷-خداوند متکلم است:
- ۷۶ ۲-۱-۱-۸-نحوه استحقاق صفاتی نظیر قدرت، علم و ...:
- ۷۹ ۲-۱-۲-صفات سلبی:
- ۷۹ ۲-۱-۲-۱-خداوند جسم نیست:
- ۸۳ ۲-۲-۱-۲-رؤیت خداوند ممکن نیست:
- ۸۳ • ادله عقلی:
- ۸۶ • ادله نقلی:

فصل سوم: رویکرد آلتون در باب زبان دین	۹۰
۳-۱- معناشناسی اوصاف الهی از نظر آلتون:	۹۱
۳-۱-۱- محمول‌های انسانی:	۹۴
۳-۱-۱-۱- کاربرد حقیقی واژه‌ها:	۹۵
۳-۱-۲- محمول‌های نفسانی و عملی:	۱۰۰
۳-۱-۲-۱- دیدگاه الگوی خصوصی:	۱۰۱
۳-۱-۲-۲- ارتباط گروی منطقی:	۱۰۳
۳-۱-۲-۲-۱- کارکردگروی:	۱۰۴
۳-۱-۲-۲-۱- نقش تمایزات خداوند و انسان در عملکرد آنان:	۱۰۸
• تجرد خداوند:	۱۰۸
• لازماتی خداوند:	۱۰۹
• عدم تناهی خداوند:	۱۱۰
• تحلیل کارکردی مفهوم خواست:	۱۱۱
• تحلیل کارکردی مفهوم علم:	۱۱۴
فصل چهارم: مقایسه دیدگاه قاضی و آلتون	۱۲۰
۴-۱- زبان دین از نظر قاضی عبدالجبار معتزلی:	۱۲۱
۴-۱-۱- صفات جمالی:	۱۲۲
۴-۱-۲- صفات جلالی:	۱۲۶
۴-۲- زبان دین از نظر ویلیام پی. آلتون:	۱۲۷
۴-۲-۱- دیدگاه‌های مختلف در باب اوصاف نفسانی:	۱۲۹
۴-۱-۲-۱- تحلیل کارکردی مفاهیم خواست و علم:	۱۳۲
۴-۳- نقد و بررسی دو دیدگاه:	۱۳۵
• پرسش‌ها:	۱۳۵
• مبانی و پیش فرض‌ها:	۱۳۶
• ادله:	۱۳۶

• تطور تاریخی دیدگاه‌ها: ۱۳۷

• لوازم و تبعات: ۱۳۷

• پاسخ‌ها: ۱۳۷

نتایج و پیشنهادات ۱۴۲

الف) نتایج: ۱۴۳

ب) پیشنهادات: ۱۴۶

فهرست منابع: ۱۴۷

مقدمه:

بحث زبان دین، یکی از جذاب‌ترین و جالب‌ترین مباحث فلسفه‌ی دین است. از عنوان این موضوع، ممکن است این مطلب به ذهن خواننده خطور کند که دین هم زبان خاصی دارد همان طور که هر ملت و قومی زبان خاصی دارند؛ اما چنین نیست و زبان خاصی به دین تعلق ندارد. منظور از زبان دین، بررسی توانایی زبان محدود بشری در سخن گفتن از امر متعالی، یعنی خداوند است. به عبارت دیگر آنچه در این بحث مورد توجه است، بررسی کاربردهای دینی زبان است؛ زیرا آموزه‌های هر نظام دینی در قالب قضایا و گزاره‌هایی بیان شده‌اند که برای پیروان آن دین از اهمیت زیادی برخوردار اند، از این رو درک معنای این گزاره‌ها و اصطلاحات آن‌ها مبتنی بر درک زبان متداول و رایج انسانی است که به واسطه‌ی آن، این تعالیم ارائه شده‌اند. گرچه منشأ پیدایش این بحث را با عنوان زبان دین می‌توان در چرخش زبان شناختی که توسط فیلسوفان قرن بیستم صورت گرفت، جست و جو کرد، اما از این نکته نباید غفلت کرد که این موضوع از دیرباز تحت عناوین مختلفی مورد توجه بسیاری از متفکران بوده است. در واقع آنچه در قرن بیستم صورت گرفت، توجه ویژه‌ی فیلسوفان به ماهیت و نقش زبان و به دنبال آن کاربردهای دینی زبان بود؛ زیرا با مطرح شدن نظریه‌ی پوزیتیویست‌ها^۱ و به تبع آن، حملات شدید پیروان این دیدگاه به گزاره‌های مابعدالطبیعی و الاهیات، فیلسوفان و الهیدانان به صورت جدی‌تری به بررسی معناداری و معناشناسی این گزاره‌ها پرداختند. در این جا ذکر این نکته ضروری است که فیلسوفان دین از میان گزاره‌های متنوعی که در زمینه‌ی

^۱. در مورد این دیدگاه در فصل اول، به نحو اجمالی توضیح داده شده است.

الاهیات مطرح هستند از قبیل گزاره‌های اخلاقی، تاریخی، نیایش‌ها و...، به دو دلیل عمده، معناداری و معنانشناسی گزاره‌های ناظر به خداوند را مورد توجه قرار داده‌اند که عبارت‌اند از:

نخست این که گزاره‌های مربوط به خداوند، پایه و بنیاد هر نظام دینی هستند و مهم‌ترین و محوری‌ترین گزاره‌ها در دین محسوب می‌شوند.

دیگر آن که نظام اعتقادات دینی برای مؤمنان، پایه و اساس هر چیز دیگری را تشکیل می‌دهد. به عنوان مثال آنان به نحوی دعا می‌کنند، عبادت می‌کنند، زندگی می‌کنند و نسبت به مسائل گوناگون نگرش اتخاذ می‌کنند که به خداوند اعتقاد دارند.^۱

از این رو، مسأله‌ی اصلی در بحث زبان دین فهم گزاره‌های ناظر به خداوند است. از آن جا که مفاهیمی را که در مورد خداوند به کار می‌بریم، از زبان عادی و متداول ما اخذ شده‌اند و همان مفاهیمی هستند که در مورد مخلوقات به کار می‌روند، بر این اساس در بحث زبان دین با این پرسش اصلی مواجه هستیم که آیا با الفاظ و مفاهیم بشری می‌توان درباره خداوند که موجودی نامتناهی است، سخن گفت یا نه؟ به عبارت دیگر، آیا با زبان محدود بشری می‌توان خداوند را که موجودی نامحدود است، توصیف کرد یا نه؟

در صورتی که به پرسش مذکور پاسخ منفی داده شود، ادیان ابراهیمی در معرض این انتقاد قرار می‌گیرند که کتب مقدس آن‌ها غیر قابل فهم است و گزاره‌های ناظر به خداوند، فاقد ارزش هستند. علاوه بر این، بسیاری از مباحث فلسفه دین نیز نامعقول تلقی می‌شوند. به عنوان مثال، فیلسوفان دین درباره ماهیت علم پیشین الهی و اختیار انسان‌ها بحث می‌کنند، در صورتی که با زبان محدود بشری نتوان در مورد خداوند سخن گفت، ادعاهای مذکور درباره‌ی خداوند نامعقول خواهند بود؛ اما اگر به این پرسش پاسخ مثبت داده شود، در این صورت فلاسفه و الهیدانانی که معتقد اند با الفاظ و مفاهیم بشری می‌توان در مورد خداوند سخن گفت با این سؤال اصلی مواجه خواهند شد که الفاظ و مفاهیم مذکور به چه معنایی در مورد خداوند به کار می‌روند؟ آیا آن‌ها به همان معنایی که در مورد مخلوقات به کار می‌روند، درباره‌ی خداوند نیز به کار می‌روند یا به معنایی متفاوت برخداوند اطلاق می‌شوند؟

۱. دلایل مذکور برگرفته‌اند از:

Alston, William P. "RELIGIOUS LANGUAGE", *Routledge Encyclopedia Of Philosophy*, Edward Craig, Routledge Press, London, 1998, vol 8, p: 256.

از آن جا که این بحث، از اهمیت زیادی برای متدینان برخوردار است، لذا در این پژوهش به بررسی و مقایسه دیدگاه قاضی عبدالجبار معتزلی، متکلم معروف فرقه معتزله با ویلیام پی. آلستون، فیلسوف دین مشهور معاصر می پردازیم.

این پایان نامه شامل چهار فصل است که در برخی فصول آن، تلاش کرده ایم به پرسش های این پژوهش که بعداً به آن ها اشاره خواهد شد، پاسخ دهیم و فرضیه های متناظر با آن ها را بررسی کنیم، بنابراین در این جا به معرفی اجمالی فصل ها می پردازیم:

در فصل اول به دیدگاه های مختلف در باب زبان دین یا معناشناسی اوصاف الهی، چه در جهان اسلام و چه در جهان غرب، اشاره کرده ایم. در این فصل چون صرفاً سیر تاریخی بحث مورد توجه بوده است، بنابراین از نقد و بررسی رویکردهای مختلف صرف نظر کرده ایم. به طور کلی دیدگاه های ارائه شده در جهان اسلام تحت عناوین زیر مطرح شده اند:

نظریه تشبیه، تأویل، تعطیل، تشبیه در عین تنزیه، اشتراک معنوی و حمل تشکیکی و الاهیات سلبی (تنزیهی).

و اما دیدگاه های ارائه شده در جهان غرب نیز با عناوین زیر معرفی شده اند:

نظریه سکوت (بیان ناپذیری)، الاهیات سلبی (تنزیهی)، تمثیل، زبان نمادین، نظریه تصویری معنا، تحقیق پذیری، نظریه کاربردی معنا، کارکردگروی، تحقیق پذیری اخروی و ابطال پذیری.

از آن جا که در برخی موارد از قبیل رویکرد الاهیات سلبی (تنزیهی) میان دیدگاه حکمای مسلمان و فیلسوفان غربی اتفاق نظر وجود دارد، بنابراین در فصل های بعدی، به ارائه دیدگاه قاضی عبدالجبار معتزلی و ویلیام پی. آلستون پرداخته ایم.

در فصل دوم، دیدگاه قاضی عبدالجبار معتزلی در مورد معناشناسی اوصاف الهی، محور بحث قرار گرفته است. قاضی عبدالجبار یکی از متکلمین برجسته ی قرن چهارم هجری است که دیدگاه جالبی در این باره دارد. دیدگاه وی در این زمینه، به نوعی از اهمیت این مسأله نزد حکمای مسلمان حکایت می کند و بر این امر دلالت دارد که معناشناسی اوصاف الهی از همان قرون اولیه مورد توجه متکلمین و فلاسفه ی مسلمان بوده است؛ از این رو، در این فصل به شرح و توضیح دیدگاه قاضی در باب زبان

دین پرداخته‌ایم. به عبارت دیگر، در فصل مذکور نخستین پرسش این پژوهش و فرضیه‌ی متناظر با آن را بررسی کرده‌ایم.

در فصل سوم آنچه که مورد توجه است، معرفی و تبیین دیدگاه ویلیام پی. آلستون در باب زبان دین است. آلستون، فیلسوف دین معروف آمریکایی، در چندین مقاله به صورت مفصل در مورد بحث زبان دین سخن گفته و به بررسی آن پرداخته است، بنابراین در این فصل تلاش کرده‌ایم تا با ارائه‌ی تصویر روشنی از دیدگاه وی در این زمینه، به بررسی دومین پرسش پژوهش و فرضیه‌ی متناظر با آن بپردازیم.

در فصل چهارم که به نقد و بررسی رویکرد قاضی عبدالجبار و آلستون اختصاص دارد، پس از یادآوری اجمالی دو دیدگاه، به موارد اشتراک و اختلاف رویکرد آنان اشاره شده است. در واقع در این فصل، به سؤالات سوم و چهارم این پژوهش پاسخ داده شده و فرضیه‌ی متناظر با آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. علاوه بر این، در بخش نتایج و پیشنهادات که در پایان فصل چهارم آورده شده است، نتایج حاصل از این بحث را به صورت کلی بیان کرده‌ایم.

پرسش پژوهش و تبیین آن:

دیدگاه قاضی عبدالجبار معتزلی و ویلیام پی. آلستون در باب زبان دین چیست؟ در متون مقدس همواره با «گزاره‌های کلامی» مواجه هستیم. گزاره‌هایی که در آن‌ها موضوع، خداوند و محمول یکی از اوصاف، ویژگی‌ها و افعال او است. یکی از سؤالاتی که در رابطه با گزاره‌های ناظر به خداوند مطرح است، عبارت است از این که چگونه می‌توان با زبان طبیعی (زبان روزمره‌ای که با آن سخن می‌گوییم) درباره خداوند به نحو معناداری سخن گفت؟

در جهان اسلام و در عالم مسیحیت، بسیاری از فیلسوفان و الهیدانان با ارائه نظریاتی از قبیل رویکرد بیان ناپذیری (قول به تعطیل)، نظریه سبلی، نظریه تمثیل، نظریه عرفانی، نظریه اشتراک معنوی و تشکیک وجودی، نظریه کارکردگروی و... به سؤال مذکور پاسخ داده‌اند.

در پژوهش حاضر در نظر داریم تا از میان فیلسوفان و متکلمان مسلمان و مسیحی، به بررسی رویکرد قاضی عبدالجبار معتزلی و ویلیام پی. آلستون بپردازیم که در باب این موضوع دیدگاه نزدیکی به هم دارند.

پرسش‌های پژوهش (پرسش‌های فرعی):

۱. پاسخ قاضی عبدالجبار معتزلی به مسأله چگونگی صفات الهی چیست؟
۲. دیدگاه ویلیام پی. آلستون در باب صفات الهی چیست؟
۳. وجه اشتراک دیدگاه قاضی عبدالجبار معتزلی و ویلیام پی. آلستون چیست؟
۴. نقطه قوت و ضعف دیدگاه قاضی عبدالجبار معتزلی و آلستون چیست؟

فرضیات پژوهش:

۱. از نظر قاضی عبدالجبار معتزلی صفات الهی از فعل خداوند قابل انتزاع هستند.
۲. ویلیام پی. آلستون داشتن کارکرد مشترک را مجوز استفاده از صفات مشترک در مورد خالق و مخلوق می‌داند.
۳. قاضی عبدالجبار و آلستون با وجود تفاوت در تعبیر، هر دو، صفات الهی را به مقام فعل برمی‌گردانند.
۴. هر دو دیدگاه ضمن حفظ تعالی خداوند نسبت به موجودات، معناداری زبان دین را به تصویر می‌کشند، اما دیدگاه آنان نمی‌تواند همه صفات الهی را با ارجاع به فعل یا کارکرد تحلیل کند.

اهداف پژوهش و ضرورت آن:

از آن جا که متدینان اهمیت ویژه‌ای برای کتاب مقدس قایل هستند بنابراین اثبات این امر که با زبان طبیعی (زبان روزمره‌ای که با آن سخن می‌گوییم) می‌توان در مورد خداوند و اوصاف و افعال او سخن گفت از جایگاه به سزایی برخوردار است. بر این اساس در پژوهش مذکور به بررسی یکی از مشکلاتی که در حوزه مباحث دینی مطرح است و آن چگونگی صفات الهی است، پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش:

پس از مراجعه به دانشگاه‌های مختلف تعداد محدودی پایان نامه که به نحوی به صفات خداوند و زبان دین مربوط می‌شوند، یافته شد که عبارت اند از:

۱. بررسی تطبیقی صفات الهی از دیدگاه ابن سینا، ملاصدرا و قاضی عبدالجبار معتزلی، ایرجی نیا، اعظم، دانشگاه قم.

۲. سخن گفتن از خدا، علیزمانی، امیرعباس، دانشگاه تربیت مقدس قم (در رساله مذکور، به نقد و بررسی دیدگاه متفکرانی نظیر فلوطین، دیونوسیوس، ابن میمون، توماس آکویناس، ویتگنشتاین، آیر، فلو، آلستون، ملاصدرا، ابن عربی و... در باب زبان دین پرداخته شده و از دیدگاه معتزله سخنی به میان نیامده است.)

۳. زبان دین و زبان علم، موحدی، عبدالعلی، دانشگاه تهران

۴. ذات و صفات الهی، خادمی، عین الله، دانشگاه تهران

۵. بررسی تطبیقی دیدگاه علامه طباطبایی و ویلیام آلستون پیرامون معناشناسی صفات الهی و ارتباط آن با زبان دین، حسینی تاجیک، جواد، دانشگاه علامه طباطبایی

*ذکر این نکته ضروری است که در هیچ یک از پژوهش‌های فوق به بررسی تطبیقی دیدگاه قاضی عبدالجبار و آلستون در باب زبان دین پرداخته نشده است.

فصل اول:

رویکردهای مختلف در باب زبان دین

اصطلاح زبان دین در مورد گزاره‌های کلامی ناظر به خداوند مطرح است، یعنی گزاره‌هایی که در آن‌ها موضوع، خداوند و محمول یکی از اوصاف، افعال و ویژگی‌های او است.

در بحث زبان دین به مسائلی از قبیل این که آیا خداوند وجود دارد یا خیر؟، خداوند چگونه است؟ یا چرا شر در جهان موجود است؟ پرداخته نمی‌شود بلکه در آن به معناداری و معناشناسی گزاره‌های کلامی توجه می‌شود. به عبارت دیگر در مسأله زبان دین با دو سؤال اساسی مواجه هستیم:

۱. آیا گزاره‌های مربوط به خداوند معنادار هستند یا بی معنا؟

۲. در صورتی که چنین گزاره‌هایی معنادار هستند، محمول آن‌ها به چه معنایی است؟ آیا محمول‌های گزاره‌های کلامی به همان معنای متداولی هستند که در مورد مخلوقات به کار می‌روند یا خیر؟ برای روشن شدن موضوع به قضایای زیر توجه کنید:

الف) «خداوند مهربان است»

ب) «شخص X مهربان است»

در بحث زبان دین ابتدا معناداری گزاره «الف» مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت معناداری آن مسأله‌ی دیگری مطرح می‌شود که عبارت است از این که آیا معنای چنین گزاره‌ای برای انسان‌ها قابل فهم است یا خیر؟

در صورت قابل فهم بودن معنای گزاره مذکور باید به این پرسش پاسخ داده شود که آیا دو گزاره «الف» و «ب» هم معنی هستند یا معنی آنها متفاوت است؟ آیا مهربانی در گزاره «الف» به همان معنایی است که در گزاره «ب» به کار رفته یا معنای آن متفاوت است؟

بسیاری از متفکران، چه در جهان اسلام و چه در جهان غرب، برای پاسخ‌گویی به سؤالات فوق تلاش کرده‌اند، لذا در این فصل صرفاً به بیان دیدگاه‌های مختلف که توسط اندیشمندان مسلمان و فلاسفه غربی ارائه شده‌اند، می‌پردازیم بدون آن که درصدد نقد و بررسی آنها باشیم؛ البته پیش از بیان رویکردهای مختلف، به طور کلی، به تقسیمات صفات الهی اشاره می‌کنیم.

۱-۱- اقسام صفات الهی:

حکما و فلاسفه صفات الهی را از جهات گوناگون به صورت زیر تقسیم کرده‌اند:

الف) صفات ثبوتی و سلبی:

منظور از صفات ثبوتی یا جمالی صفاتی مانند علم، قدرت، حیات و... است که کمالی را به خداوند نسبت می‌دهند و مقصود از صفات سلبی یا جلالی، صفاتی است که نقص و محدودیتی را از ذات خداوند سلب می‌کنند از قبیل این که خداوند جسم نیست، مرکب نیست و... .

ب) صفات حقیقی و اضافی:

صفات ثبوتی بر دو قسم هستند: صفات حقیقی مانند حیات، قدرت، عالم، خالق، رازق و...، و صفات اضافی نظیر عالمیت، قادریت و...؛ صفات حقیقی اموری واقعی هستند در حالی که صفات اضافی اموری اعتباری هستند زیرا رابطه و نسبت محض هستند؛ به عنوان مثال عالمیت عبارت است از نسبتی که میان عالم و معلوم بر قرار است و قادریت بر نسبت میان قادر و مقدر دلالت می‌کند.

از طرف دیگر، صفات حقیقی نیز به دو دسته‌ی صفات حقیقی محض و دارای اضافه تقسیم می‌شوند. صفات حقیقی محض صفاتی از قبیل حیات، قدرت و... هستند که از ذات الهی اخذ می‌شوند و تصور آنها مبتنی بر تصور غیر نیست در صورتی که صفات حقیقی دارای اضافه مانند عالم، خالق، رازق و... از تصور غیر حاصل شده‌اند و تصور آنها متوقف بر تصور غیر است؛ البته ذکر این نکته ضروری است که اگر منشأ صفات حقیقی دارای اضافه، صفات ذاتی خداوند باشد برای تحقق خود نیاز